
سید رضی رحمته الله علیه، المجازات النبویة و روش شناسی آن

عبدالهادی فقهی زاده*
نرجس توکلی محمدی**

◀ چکیده:

المجازات النبویة تألیف سید رضی رحمته الله علیه (م 406ق) عالم بزرگ شیعه، تنها اثر مستقل شیعی در شرح مجازات روایی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که در آن، به شرح بیش از 360 روایت مشتمل بر مجاز پرداخته شده است و شناخت جوانب گوناگون آن می تواند بخشی از جایگاه رفیع مؤلف و ارزش علمی آن را نشان دهد.

سید رضی رحمته الله علیه در المجازات النبویة به اختصار و بدون باب بندی، ابتدا به ذکر روایات و در صورت لزوم تبیین واژگان، ذکر نقل های متفاوت و بررسی سندی و متنی پرداخته، و به دنبال آن، موضع مجاز را روشن کرده و در مواردی، به توضیح مجازهای قرآنی مشترک با مجاز روایت مورد بحث، اهتمام کرده است؛ چنان که گاه پاره ای از شبهات کلامی را به مناسبت مطرح می کند و به آن ها پاسخ می گوید. او در مواردی، همچنین به مباحثی غیرمرتبط با بیان مجاز و وجه آن، اشاره می کند و گاه نیز به یادکرد استادان و منابع مورد استفاده خود در تدوین المجازات النبویة می پردازد.

◀ **کلیدواژه ها:** سید رضی رحمته الله علیه، المجازات النبویة، روش شناسی، مجازات روایی، فقه الحدیث، تأویل روایات.

* دانشیار دانشگاه تهران / feghizadeh@gmail.com

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) / tavakoli.nm@gmail.com

مقدمه

«مجاز» در علوم عربی، یکی از صنایع ادبی و در علم اصول یکی از مباحث الفاظ است. این اقتضای زبانی، وقوع مجاز در گفتار معصومان علیهم السلام را ناگزیر ساخته است و از همین رو، حمل روایات بر معانی مجازی، از دیرباز به مثابه یکی از راه‌های فهم معنای روایات، در بحث تعارض روایات به صورت ضمنی مطرح بوده است. (ر.ک: شهید ثانی، 1413ق، ص 124-126/ طحان، 1404ق، ص 58/ ربانی، 1380ش، ص 165/ نفیسی، 1386ش، ص 252-253/ مسعودی، 1385ش، ص 191-192)

از سوی دیگر، حضور مجازات روایی در منابع حدیثی و اعتقاد به اصل وقوع آن در روایات و توجه به آسیب‌های فراوان کلامی که ممکن است از تأویل‌های نادرست این دسته از روایات بر پیکره دین وارد شود، سید رضی رحمته الله علیه دانشمند شیعی قرن چهارم هجری را بر آن داشت که به تألیف *المجازات النبویة*، به منزله تنها اثر مستقل روایی در این زمینه دست زند. (ر.ک: سید رضی، 1422ق، ص 27) او با مسلم انگاشتن وقوع مجاز در روایات و جواز آن، بدون طرح مباحث نظری و بر سبیل ایجاز، به تبیین مفهوم بیش از 360 روایت مشتمل بر مجاز از روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرداخت و از این رهگذر، اثر علمی قابل توجهی پدید آورد. سید رضی رحمته الله علیه با این اقدام، توجه به مجازات روایی را برانگیخت، اما در عین اهمیت و جایگاه *المجازات النبویة* در فقه الحدیث، همچنان تنها مأخذ مستقل در حوزه مجازات روایی است که در جامعه علمی، کم‌شناخته باقی مانده است.

بر این اساس و نظر به جایگاه رفیع علمی مؤلف و تأثیر نظری توجه به این اثر در مطالعات فقه الحدیثی، بر آنیم در مقاله حاضر، پس از بیان مقدمات لازم، به معرفی تفصیلی کتاب *المجازات النبویة* و روش‌شناسی آن بپردازیم.

1. سید رضی رحمته الله علیه

ابوالحسن محمد بن حسین موسوی، معروف به «سید رضی»، «شریف رضی» و «الرضی ذوالحسین»، دانشمند و ادیب شیعی، به سال 359 هجری قمری، در خانواده‌ای فرهیخته در بغداد که بزرگ‌ترین پایگاه علوم اسلامی آن دوران به شمار

می رفت، به دنیا آمد (ر.ک: نجاشی، 1407ق، ص 398/ حلی، 1383ق، ص 308/ حلی، 1411ق، ص 164/ بروجردی، 1410ق، ج 2، ص 474/ تفرشی، 1418ق، ج 4، ص 181/ مدنی شیرازی، 1397ق، ص 466). پدر شریف رضی رحمته الله علیه ابواحمد حسین بن موسی بن محمد بن موسی بن ابراهیم مجاب بن امام موسی بن جعفر رحمته الله علیه است که نقابت طالبیان بغداد و سرپرستی آنان، نظارت بر دیوان مظالم و امارت حاج را بر عهده داشت. مادر سید رضی رحمته الله علیه، فاطمه دختر حسین بن ابی محمد حسین و بنا به نقلی دیگر، دختر ابومحمد حسین بن احمد، معروف به «داعی صغیر» یا «ناصر صغیر» پسر «ناصر کبیر»، نقیب طالبیان است که در هر دو صورت، بانویی علوی، دانشمند و دوستدار علم و مورد احترام دانشمندان است؛ چنان که شیخ مفید (م 413ق) کتاب احکام النساء را به درخواست وی نوشته است. (ر.ک: نجاشی، 1407ق، ص 398/ حلی، 1383ق، ص 308/ حلی، 1411ق، ص 164/ بروجردی، 1410ق، ج 2، ص 474/ تفرشی، 1418ق، ج 4، ص 181/ مدنی شیرازی، 1397ق، ص 466) بنابراین، سید رضی رحمته الله علیه به لحاظ نسب، هم از طرف مادر و هم از جانب پدر، علوی تبار است و از خاندان امام علی بن ابی طالب رحمته الله علیه و از شجره طیبه محمدی رحمته الله علیه است.

برادر بزرگ سید رضی رحمته الله علیه ابوالقاسم علی بن حسین موسوی معروف به «سید مرتضی»، «الأجل المرتضی» و «ذو المجدین» (م 436ق) چهار سال پیش از سید رضی رحمته الله علیه به دنیا آمد. سید مرتضی فقه و حدیث را نزد شیخ صدوق (م 381ق) و شیخ مفید (م 413ق) آموخت و به سبب نبوغ و تبخر در دانش های عصر خود، پس از شیخ مفید به جانشینی وی در آمد. جلالت شأن و مقام علمی و ادبی سید مرتضی رحمته الله علیه چنان است که او را افضل دوران، بزرگ فقهای عصر، متبخر در کلام، فقه، اصول، شعر، ادب، لغت و حدیث و سرور علمای امت اسلام پس از اهل بیت رحمته الله علیه دانسته اند. (ر.ک: نجاشی، 1407ق، ص 270/ حلی، 1383ق، ص 340/ حلی، 1411ق، ص 94/ طوسی، بی تا، ص 98-100/ دوانی، 1364ش، ص 33-40/ جعفری، 1378ش، ص 35-38)

سید رضی رحمته الله علیه در دوره سوم خلافت عباسیان (334-427ق) و فرمانروایی آل بویه بر عراق زیسته است. این دوره از لحاظ علمی و فرهنگی، «عصر زرین» و از نظر

تاریخ ادبیات، عصر شاعران سه گانه: ابوالطیب متنبی (303-354ق)، سید رضی رحمته الله علیه و ابوالعلاء معری (363-449ق) است. (ر.ک: دوانی، 1364ش، ص 41/ جعفری، 1378ش، ص 23-26)

سید رضی رحمته الله علیه از کودکی، علوم و دانش های زمان خود را از محضر استادان نامدار بغداد، پایتخت فرمانروایان دانش پرور شیعی آل بویه فراگرفت و به تبحر و تخصص در دانش های عصر خویش نائل شد. او با تأسیس دارالعلم، به پرورش شاگردان پرداخت و آثار علمی ارزنده ای پدید آورد. (ر.ک: بروجردی، 1410ق، ج 2، ص 474/ امینی، 1397ق، ج 4، ص 181-184/ خویی، 1413ق، ج 17، ص 24/ مدنی شیرازی، 1397ق، ص 466-467/ جعفری، 1378ش، ص 52-53/ دوانی، 1364ش، ص 161-164) برجسته ترین آثار وی عبارت اند از: *خصائص الاثمه* رحمته الله علیه، *تلخیص البیان عن (فی) مجازات القرآن، المجازات النبویة، حقائق التأویل فی متشابه التنزیل، نهج البلاغه و دیوان شعر.*

علاوه بر این، سید رضی رحمته الله علیه در مسئولیت های اجتماعی و اجرایی نیز مانند نیاکان خود، شایستگی چشمگیری داشت؛ چنان که پدر وی همه مناصب خود را از سال های 376ق، زمانی که سید تنها 17 سال داشت تا سال 380ق به او واگذار کرد. سید رضی رحمته الله علیه در 21 سالگی بزرگ ترین مسئولیت های اجرایی را عهده دار شد و افزون بر مناصب پدر، نخستین و آخرین فرد از دودمان ابوطالب رحمته الله علیه بود که نقابت طالبان همه جهان اسلام را بر عهده گرفت.¹ (ر.ک: بروجردی، 1410ق، ج 2، ص 474/ امینی، 1397ق، ج 4، ص 205-209/ خویی، 1413ق، ج 17، ص 24/ مدنی شیرازی، 1397ق، ص 466-470/ جعفری، 1378ش، ص 171-173/ دوانی، 1364ش، ص 115-118)

سید رضی رحمته الله علیه در دورانی زیست که از نظر سیاسی، روزگاری پر آشوب بود. او مانند نیاکان خویش همواره در صدد بود که با فراهم آوردن موقعیت مناسب، علیه بنی عباس قیام کند و خلافت اسلامی را که حق خاندان اهل بیت رحمته الله علیه می دانست، بازپس گیرد. اما قلت یاران حق، او را از رسیدن به آرمان والای خود بازداشت و در آرزوی تشکیل خلافت شیعی، زود هنگام و در چهل و هفت سالگی، در سال 406ق از دنیا رخت بر بست. (ر.ک: دوانی، 1364ش، ص 122-132/ جعفری، 1378ش،

173-182/ امینی، 1397ق، ج 4، ص 210)

سید رضی رحمته الله علیه فرزندی به نام ابواحمد، عدنان بن رضی معروف به «شریف مرتضای ثانی» و ملقب به «ظاهر ذوالمنقب» داشت که پس از جد، پدر و عمیش، نقابت طالبیان بغداد را بر عهده گرفت. وی ادیبی دانشمند، شاعری توانا و از بزرگان علم و فضیلت بود و فرزندی به نام علی داشت که در زمان حیات خود او در گذشت و از این رو، خاندان سید رضی رحمته الله علیه با مرگ عدنان در سال 499ق خاتمه یافت. (ر.ک: خویی، 1413ق، ج 12، ص 146-147/ مدنی شیرازی، 1397ق، ص 480/ دوانی، 1364ش، ص 138-139/ جعفری، 1378ش، ص 279)

2. مجاز و المجازات النبویه

1-2. مجاز و اقسام آن

«مجاز» از ریشه «جوز»، بر وزن «مَفْعَل» مصدر میمی و در لغت به معنای عبورکردن است: «جُزْتُ الطريق جوازاً و مجازاً»، یعنی، راه را طی کردم. (فراهیدی، 1410ق، ج 6، ص 154/ ابن منظور، 1412ق، ج 5، ص 226) بر همین اساس، «تَجَوَّزَ فِی کلامه» به معنای «تکلم بالمجاز»، سخن گفتن بر سبیل مجاز است. مجاز به معنای طریقه، روش و وسیله نیز به کار رفته است: «جعل فلان ذلك الامر مجازاً الی حاجته»، یعنی آن را وسیله‌ای برای برآوردن نیاز خود قرار داد. (ابن منظور، 1412ق، ج 5، ص 329) خطیب، این عبارت را به مفهوم «جَعَلَهُ طریقاً الی تصوّر معناه»، یعنی آن را راهی به تصوّر معنای آن قرار داد، ذکر کرده است (خطیب قزوینی، 1426ق، ص 154) که بر بُعد ادبی مجاز دلالت می‌کند.

مجاز در اصطلاح ادیبان و اصولیان، کاربرد لفظ در معنای غیروضعی، همراه با قرینه² مانعه و علاقه و مناسبت میان معنای حقیقی و غیروضعی است. (ر.ک: جرجانی، 1412ق، ص 350 و 395/ سکاکی، 1303ق، ص 359/ تفتازانی، 1411ق، ص 218/ هاشمی، بی‌تا، ص 290-291/ مراغی، بی‌تا، ص 229/ مظفر، 1424ق، ص 54/ محمدی، 1386ش، ص 29) بر این اساس، استعمال مجازی فقط در صورتی صحیح است که میان معنای حقیقی و مجازی، «علاقه» ای وجود داشته باشد و علاوه بر آن قرینه‌ای در میان باشد که از اراده معنای حقیقی بازدارد. بنابراین و با توجه به

منابع لغوی، مجاز روشی است که با به کارگیری آن، معنایی غیر از معنای وضعی لفظ، به ذهن مخاطب انتقال می‌یابد.

مجاز به جهت واضع، به سه نوع «لغوی»، «شرعی» و «عرفی» (خطیب قزوینی، 1426ق، ص 154/ تفتازانی، 1411ق، ص 215-216) و به اعتبار کاربرد، به دو گونه لغوی و عقلی تقسیم می‌شود. (ر.ک: جرجانی، 1412ق، ص 411/ سکاکی، 1303ق، ص 363-462/ تفتازانی، 1411ق، ص 215) مجاز در علوم بلاغی، یکی از اقسام علم «بیان» است که متکفل ذکر معنای واحد به طرق گوناگون، همراه با دلالت آشکار بر آن معنا و مطابق با مقتضای حال، به شمار می‌رود. موضوع علم بیان، لفظ عربی به لحاظ کیفیت وضوح دلالت است که در سه بخش «تشبیه»، «مجاز» و «کنایه» بررسی می‌شود. (ر.ک: سکاکی، 1303ق، ص 162/ جرجانی، 1412ق، ص 121/ تفتازانی، 1411ق، ص 183/ هاشمی، بی‌تا، ص 244-245/ مراغی، بی‌تا، ص 189) افزون بر این، مجاز یکی از موضوعات «مبحث الفاظ» در علم اصول است که در مباحث مربوط به وضع و استعمال الفاظ در «حقیقت» و «مجاز»، در راستای شناخت دلیل شرعی لفظی³ مورد بحث قرار می‌گیرد. (ر.ک: صدر، 1410ق، ص 268-272)

سید رضی رحمته الله علیه در *المجازات النبویة* به ذکر معنای مجاز و اقسام آن نپرداخته است، اما از خلال بیان‌ها و شروح وی در تبیین معنای روایات می‌توان دیدگاه سید رضی رحمته الله علیه در مورد مجاز و شروط آن را شناخت. از نظر سید رضی رحمته الله علیه، معنای وضعی و معنای مجازی، پیوندی وثیق با یکدیگر دارند و فهم معنای مجازی در گرو درک صحیح و کامل معنای وضعی است. چنان‌که وی در شرح روایات همواره معنای مجازی را براساس معنای وضعی، تبیین می‌کند و بر ارتباط این دو معنا با یکدیگر تأکید می‌ورزد. برای نمونه در روایت شماره 7،⁴ معنای مجازی عبارت «أقماع القول» را براساس مشابهت با معنای وضعی «أقماع» بیان می‌کند: «أقماع» جمع «قَمَع» به معنای قیف است و مراد از «أقماع القول» کسانی هستند که به هر سخنی گوش فرامی‌دهند، گویی گوش‌های آنان که راهی برای رسیدن به قلوب به شمار می‌روند، قیف‌هایی است که سخنان به درون آن ریخته می‌شود؛ آن‌گونه که مایعات به وسیله قیف به درون ظرف‌ها راه می‌یابد. (ر.ک: سید رضی، 1422ق، ص 39) سید رضی رحمته الله علیه سپس به

تأویل برخی علما اشاره می‌کند که مراد از این عبارت را کسانی دانسته‌اند که همواره به مواظبت گوش فرامی‌دهند، اما همچنان در طریق گناه و گمراهی پایدارند. وی این برداشت را گرچه نادرست نمی‌شمارد، آن را به سبب عدم تناسب با معنای وضعی «أقماع» برداشتی بعید می‌داند و رأی خود را که برخاسته از معنای وضعی است، با ظاهر کلام متناسب‌تر می‌شمارد. (ر.ک: همان، ص 39) بر این اساس، سید رضی رحمته الله برداشت‌های مجازی را به شرط اینکه برخاسته از معنای وضعی و متناسب با آن باشد، مُجاز دانسته، در تعدد وجوه معنایی، برداشت صحیح را برداشتی معرفی می‌کند که با معنای وضعی پیوند عمیق‌تری داشته باشد.

ویژگی دیگر مجاز در نگاه سید رضی رحمته الله عقل‌مداری آن است. وی گرچه به این نکته تصریح نکرده است، ذیل روایت شماره 27 در تبیین معنای «رؤیت خداوند»، پس از تذکر ایراد سندی، به آن اشاره کرده، می‌گوید: سند این روایت - چنان‌که گفتیم - مطعون است و اگر هم درست باشد، مانند سایر مجازها باید بر معنای مجازی موافق با عقل حمل شود. (ر.ک: همان، ص 61) این سخن نشان می‌دهد که سید رضی رحمته الله برداشت‌های مجازی را به شرط موافقت با عقل، می‌پذیرد و خود نیز براساس همین مبنا، به تبیین مجاز می‌پردازد.

سید رضی رحمته الله به ندرت به گونه‌های مجاز، اشاره و اغلب به لفظ «مجاز» یا «استعاره» اکتفا می‌کند. وی پس از ذکر روایت، با عباراتی کوتاه نظیر «فی هذا الکلام مجاز»، «فی هذا القول مجاز»، «فی هذا الکلام استعارة»، «وهذه استعارة»، «هذا مجاز» و نظایر آن‌ها، به وجود مجاز یا استعاره در روایت اشاره می‌کند و سپس به تبیین معنای آن‌ها می‌پردازد. سید رضی رحمته الله در ذکر مجاز و استعاره به اقسام فرعی آن‌ها از قبیل لغوی، عقلی، اسنادی، مجاز مرسل و... تصریح نمی‌کند. برای نمونه در روایت دوم گفته است: «فقوله عليه الصلاة والسلام: و هم يد علی من سواهم استعارة و مجاز». (ر.ک: همان، ص 33) ذیل روایت شماره 62 نیز با عبارت «وهذه استعارة» به وجود مجاز در روایت اشاره می‌کند. (ر.ک: همان، ص 102)

2-2. المجازات النبویة

2-2-1. انگیزه تألیف

سید رضی رحمته الله علیه پس از تألیف کتاب تلخیص البیان عن مجازات القرآن، نخستن اثر مستقل در بیان محاسن و زیبایی های پنهان عبارات متشابه و مجازی قرآن، تصمیم می گیرد کتابی همگون در حوزه مجازات روایی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بنگارد (ر.ک: همان، ص 27) و از این رو، علی رغم مشکلات و مشغولیت های فراوان و ضیق وقت، به تألیف المجازات النبویة پرداخت، (ر.ک: همان، ص 28) زیرا از دیدگاه او که ادیبی برجسته در دانش بلاغت است، روایات نبوی از استعارات و مجازهای بدیع و اسرار لغوی سرشار است و آشکار کردن آنها منفعتی عظیم به شمار می رود. (ر.ک: همان، ص 27)

2-2-2. اهمیت

وقوع مجاز در آیات و روایات، برخاسته از تشابه گزاره های دینی است که از دیرباز مورد پذیرش غالب علما و دانشمندان اسلامی قرار داشته است. آنان گاه در شرح روایات، به ضرورت حمل ظاهر بر معنای مجازی اشاره کرده اند؛ چنان که صاحبان جوامع روایی، با تأیید حمل بعضی از روایات بر معنای مجازی، آن را راهی برای فهم معنای صحیح و رفع تعارض از آنها دانسته اند و در مواضعی از شرح روایات، به وقوع مجاز در آنها و تبیین مفاد صحیح هر کدام توجه داده اند. (ر.ک: بخاری، 1401ق، ج 7، ص 121-122/ مسلم نیشابوری، بی تا، ج 7، ص 144/ ابن قتیبه، بی تا، ص 196-197/ صدوق، 1361ش، ص 313-314/ مفید، 1414ق، ص 146-147/ جرجانی، 1412ق، ص 358/ سید مرتضی، 1325ق، ج 2، ص 2-6/ فیض، 1406ق، ج 1، ص 424/ مجلسی، 1404ق، ج 27، ص 90) از سوی دیگر، انکار اصل وقوع مجاز در گزاره های روایی، در کنار برداشت های نادرست از گزاره های مجازی از سوی گروهی، دیدگاه های کلامی و اعتقادی برداشت های متفاوتی را به وجود آورده است؛ اما کسی جز سید رضی رحمته الله علیه که در قرن چهارم کتاب المجازات النبویة را نگاشته، هیچ یک از علمای اسلامی، در این حوزه، اثری مستقل پدید نیاورده اند. (ر.ک: سید

رضی، 1422ق، ص 27-28)

سید رضی رحمته الله خود از تلخیص البیان عن مجازات القرآن و المجازات النبویه با تعبیر «دو گوهر نورافشان هدایتگر» و «نخستین آثار در این حوزه» یاد کرده است. (ر.ک: همان، ص 27) او با این همه و علی رغم تتبع فراوان، گزیده گویی و شرح دقیق و موجز روایات مشتمل بر مجاز، متواضعانه اثر خود را به دور از کاستی نمی داند و فروتنانه کاستی های آن را بیش از دستاوردهای خود برمی شمارد. (ر.ک: همان، ص 28)

2-2-3. ساختار و محتوا

المجازات النبویه مشتمل بر 363 روایت است که سید رضی رحمته الله به شرح و تبیین معانی آن ها پرداخته است. وی ابتدا موضع مورد نظر از روایت را که دربرگیرنده عبارت مجازی است، گاه به صورت کامل و گاه تقطیع شده ذکر می کند و سپس براساس شواهد لغوی، آیات و روایات و جز این ها وجوه معنایی آن را برمی نماید. سید رضی رحمته الله جز در مواردی نادر به اسناد روایات اشاره نکرده و آن ها را بدون نظم و ترتیب یا موضوع بندی معینی، به دنبال یکدیگر آورده است که این امر سبب شده المجازات النبویه از دسته بندی موضوعی، تهی باشد. در المجازات النبویه شش بخش به چشم می خورد، که هر یک با بسمله شروع می شود و دسته ای از روایات را دربرمی گیرد، بدون آنکه حاکی از موضوعی خاص باشد. این شش بخش شامل روایات شماره 1-49، 50-115، 116-190، 191-265، 266-317 و 318-363 است.

2-2-4. منابع

سید رضی رحمته الله در مقدمه المجازات النبویه، به منابع مورد استفاده در شرح و تبیین معنای روایات، بدون ذکر نام و تنها با ذکر موضوعات آن ها اشاره کرده است. وی چون نزد علمای بزرگ نحو و بلاغت و حدیث، دانش آموخته، روایات و کتب پرشماری از راه استماع، اجازه یا قرائت، در اختیار داشته است و بنا بر این، به طور کلی از کتب معروف غریب الحدیث، اخبار مغازی و مسانید صحیح محدثان، بدون

ذکر نام آن‌ها، به عنوان منابع *المجازات النبویة* یاد می‌کند. (ر.ک: همان، ص 29) در عین حال، می‌توان نام برخی منابع شفاهی و کتبی سید رضی رحمته الله علیه را در شرح روایات شناخت. او، ضمن تبیین معنای روایات، گاه به سند روایات یا اقوال استادان خود اشاره می‌کند و بعضاً از کتب آنان یا سایر علمای اسلامی نام می‌برد. برای نمونه، در روایت شماره 9، ضمن بیان معنای «عنق»، به قول ابوحفص عمر بن ابراهیم کتانی اشاره می‌کند. (ر.ک: همان، ص 42) در روایت شماره 39 نیز در بیان معنای «ید»، براساس اقوال ابوالفتح عثمان بن جنی و ابوالحسن علی بن عیسی ربعی استدلال کرده است. (ر.ک: همان، ص 79) در ذیل روایت شماره 94 در استشهاد به شاهد ادبی، به اجازة خود از ابوعلی حسن بن احمد بن عبدالغفار نحوی درباره کتاب *الایضاح* وی و دانش شفاهی ابوالفتح عثمان بن جنی و ابوالحسن ربعی اشاره می‌کند. (ر.ک: همان، ص 130) او در موردی دیگر، از کتب *العمدة فی اصول الفقه* و شرح *الاصول الخمسة* قاضی عبدالجبار معتزلی نام می‌برد. (ر.ک: همان، ص 143 و 330) سید رضی رحمته الله علیه علاوه بر کتب استادان خود، به برخی کتب مورد استفاده از سایر علما نیز اشاره کرده است. برای نمونه، ذیل روایت شماره 321 از کتاب *الانفاظ* یعقوب ابن سکیت مطلب نقل می‌کند. (ر.ک: همان، ص 362) در روایت 328 ضمن شرح بحث، از کتاب *غریب الحدیث* ابوعمید (ر.ک: همان، ص 367) و در روایت 359 از *الطبقات* ابن سعد، به عنوان منابع مورد استفاده خود نام می‌برد. (ر.ک: همان، ص 389)

2-2-5. چاپ‌ها

المجازات النبویة بارها در مصر و ایران و عراق به چاپ رسیده و مورد شرح و تحقیق قرار گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- *المجازات النبویة*، شرح و تحقیق طه محمد الزیتی استاد دانشگاه الازهر، چاپ بغداد، 1328ق.

- *المجازات النبویة*، شرح و تحقیق طه محمد الزیتی استاد دانشگاه الازهر، چاپ دارالاضواء، بیروت، 1406ق / 1986م.

- *المجازات النبویة* أو *مجازات الآثار النبویة*، تحقیق و تعلیق مروان العطیة و

محمد رضوان الدایة، چاپ انتشارات مرکز رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دمشق، 1408ق / 1987م.

- *المجازات النبویة*، تصحیح مهدی هوشمند، چاپ دارالحديث، قم، 1422ق / 1380ش.

ارجاعات مقاله حاضر، براساس چاپ دارالحديث است که مصحح در آن، نسخه دارالاضواء را مبنا قرار داده و آن را با برخی نسخ خطی موجود، مقابله کرده است. وی در تصحیح کتاب، به شماره‌گذاری روایات، استخراج احادیث از کتب شیعه و اهل سنت، توضیح واژگان نامأنوس، استخراج آیات و اشعار به‌کاررفته در شرح روایات و ارائه فهرست آیات، احادیث، اشعار و اعلام پرداخته و شامل 363 روایت است که در 460 صفحه به چاپ رسیده و جدیدترین *المجازات النبویة* به شمار می‌رود.

3. روش‌شناسی المجازات النبویة

در روش‌شناسی آثار و منابع مهم علمی، هدف اصلی محقق، کشف منطق حاکم بر شیوه مؤلف در ارائه مباحث و تبیین مفاهیم است. از این رو و از آنجا که سید رضی رحمته اللہ علیہ در *المجازات النبویة*، روایات را بدون موضوع‌بندی و تقسیم خاص، به دنبال یکدیگر ذکر کرده و به شرح آن‌ها پرداخته است، در این بخش بر آنیم از رهگذر مطالعه روش‌شناسانه آن، منطق حاکم بر *المجازات النبویة* و دلایل اهمیت آن را آشکار کنیم.

3-1. ایجاز در نقل روایات و شرح معانی

یکی از ویژگی‌های بارز *المجازات النبویة*، ایجاز و گزیده‌گویی و حتی به ایماء و اشاره سخن گفتن است که مؤلف آن، بارها به پایبندی خود به این جنبه در مواضع گوناگون تصریح کرده است. وی می‌گوید: «این گزیده‌گویی از آن روست که مباحث، ثقیل و خواننده ملول نگردد، زیرا دل‌ها از پذیرش دانش‌های وزین ناتوان‌اند.» (ر.ک: سید رضی، 1422ق، ص 28)

بر این اساس، سید رضی رحمته اللہ علیہ در سراسر کتاب، شرح معنای الفاظ و روایات را در جملاتی اندک، موجز و ادیبانه به پایان می‌برد و جز به ضرورت سخن نمی‌گوید. در

عین حال، پابندی او به ایجاز، موجب نقص در توضیح و بیان مراد نیست، بلکه هر جا اقتضای اطالۀ کلام باشد، با ذکر توضیحی بیشتر حق مطلب را ادا می‌کند و در صورت نیاز، به سایر کتب و موضوعات ارجاع می‌دهد. برای نمونه در توضیح اقسام علوم عقلی و وجه تسمیۀ آن، پس از ذکر بیانی کوتاه درباره آن می‌گوید: «سخن در تفصیل این علوم و بیان شأن آن‌ها به درازا می‌کشد که این کتاب جایگاه ذکر و شرح آن نیست.» (ر.ک: همان، ص 177-178)

نمونه دیگر، بیان اختلافات کلامی درباره موازنۀ عقاب و ثواب است که سید رضی رحمته الله علیه پس از اشاره به اهم آرا، تفصیل آن را موجب دور شدن از هدف کتاب و وقوع در اطناب معرفی می‌کند. (ر.ک: همان، ص 185) وی با این همه، در مواردی، با حفظ حد ایجاز، توضیحات بیشتری ارائه کرده است؛ چنان‌که برای نمونه در روایت شماره 199، به تفصیل درباره معنای «جذم» و اختلاف فقهی علما درباره کیفیت مُجازات قطع ید بحث کرده است. (ر.ک: همان، ص 231-234)

گزیده‌گویی سید رضی رحمته الله علیه در شرح و تبیین معانی روایات، در مواضع و بخش‌های گوناگون در لابه‌لای *المجازات النبویة* قابل ملاحظه است که در ادامه، به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

1. ایجاز در نقل سند

سید رضی رحمته الله علیه جز به ضرورت، اسناد روایات را ذکر نکرده است؛ چنان‌که از میان 363 روایت، تنها در پنج مورد سند به ذکر پرداخته (نک همان، روایات شماره 197، 198، 215، 265 و 267) و در یک مورد، به بررسی سندی همت گمارده است. (ر.ک: همان، ص 60-64، روایت شماره 27)

2. ایجاز در نقل روایت

سید رضی رحمته الله علیه روایات طولانی را با هدف ایجاز در نقل روایت، تقطیع کرده و تنها آن مقدار از متن را که در توضیح موضع مجاز لازم بوده، ذکر کرده است. او در این موارد، با عباراتی چون «فی حدیث طویل»، «فی کلام طویل» و «فی کلام أكثر من هذا» به تقطیع روایات اشاره کرده است؛ برای نمونه، روایتی را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به حکیم بن حزام بن خویلد فرموده‌اند، چنین ذکر آورده است: «یا حکیم، ان

هذا المال خضرة خلوة، فمن أخذه بسخاوة نفس بورک له فيه، و من أخذه بإشراف نفس ام یبارک له فيه... فی کلام اکثر من هذا.» (همان، ص 85)⁵

3. ایجاز در شرح متن

یکی از گونه‌های ظهور ایجاز در شرح متن، ایجاز در تبیین معانی مجازی است که در سرتاسر کتاب به چشم می‌آید. سید رضی رحمته الله در بیان معنای مجازی روایات، چنان‌که خود تصریح کرده، بر سبیل ایجاز گام برداشته و از این رو، با به کار بستن اقسام مجاز برای انتقال معنا بهره جسته است تا با کمترین الفاظ به تبیین معنا بپردازد. برای نمونه، از ارتداد با عبارت «خَلَّى حبل الدین عن بدنه» به معنای «ریسمان دین را از بدن خود آزاد کرد» یاد کرده است (ر.ک: همان، ص 128)؛ چنان‌که در روایتی دیگر، برای تبیین غارتگری مرگ، آن را به حیوانی درنده تشبیه کرده که دندان‌های خود را آشکار ساخته و در جست‌وجوی زندگان است. (ر.ک: همان، ص 179)

گونه دیگر از ایجاز در شرح متن، به تقطیع شواهد قرآنی و روایی مربوط است. سید رضی رحمته الله در این موارد، تنها به موضع مجاز، اشاره و از بیان تمام آیه یا روایت خودداری می‌کند؛ برای نمونه ذیل روایت شماره 348، صرفاً به بخشی از آیه 103 سوره آل عمران (موضع مجاز در آیه) استشهد شده است. (ر.ک: همان، ص 381) نمونه دیگر در تبیین معنای مجازی روایت شماره 321 به چشم می‌خورد که قسمتی از روایتی طولانی به عنوان شاهد معنا ذکر شده است. (ر.ک: همان، ص 362)

گونه دیگر، پرهیز از ذکر مباحث تکراری است. سید رضی رحمته الله در صورتی که توضیح لازم ذیل روایات پیشین آمده باشد، به آن موارد ارجاع می‌دهد؛ چنان‌که در مواردی که موضوع مورد نظر در سایر کتب مطرح شده باشد و ذکر تفصیل مطالب، موجب اطالۀ سخن گردد، به سایر کتب ارجاع داده است. برای نمونه در بیان معنای مجازی لفظ «حُثَالَة» در روایت شماره 62، که توضیح آن را پیش‌تر به عنوان شاهد روایی ذیل روایت شماره 40 آورده، با عبارت: «و قد تکلمنا فیما تقدم علی قوله علیه الصلاة و السلام: «و یبقی حثالة من الناس...»» به روایت مذکور ارجاع داده است. (ر.ک: همان، ص 103)⁶ در مواردی نیز که روایت و مجاز مورد نظر در سایر آثار سید رضی رحمته الله به تفصیل بیان شده باشد، به آن‌ها ارجاع می‌دهد و به ذکر مختصری درباره

آن‌ها اکتفا می‌کند. برای نمونه در ذکر معنای «ید»، در روایت شماره 39، پس از بیان شاهد روایی از نهج البلاغه و توضیحی کوتاه درباره معنای آن، به کتاب مذکور ارجاع داده است. (ر.ک: همان، ص 79) این ارجاعات به کتاب‌های تلخیص البیان عن مجازات القرآن، حقائق التأویل فی متشابه التنزیل و نهج البلاغه صورت گرفته است.⁷

3-2. ذکر روایات و بررسی دلالتی آن‌ها

سید رضی رحمته الله علیه در هر مورد، نخست به ذکر متن روایت می‌پردازد و در موارد لزوم به سند آن نیز اشاره می‌کند. او در مواردی که تفاوت نقل وجود دارد، از نقل‌های متفاوت نیز یاد می‌کند. سید رضی رحمته الله علیه در صورتی که روایت طولانی بوده و در آن تقطیع صورت گرفته باشد و یا به تناسب محتوای روایت، به موضوع، شرایط، زمان، مکان و سبب صدور روایت نیز اشاره می‌کند. برای نمونه ذیل روایت شماره 1، به شرایط صدور روایت که مربوط به جنگ بدر و حضور سران قریش در مکان چاه است، اشاره می‌کند.⁸

بنای سید رضی رحمته الله علیه در ذکر روایات و شرح آن‌ها بر گزیده‌گویی است؛ با این همه، در موارد لزوم، به بررسی دلالتی روایت، برای شناخت مضمون آن اقدام می‌کند و به ذکر تفاوت نقل‌های متفاوت روایات نیز می‌پردازد. سید رضی رحمته الله علیه در بررسی دلالتی، تفاوت نقل‌های روایت را بیان می‌کند و در صورتی که نقل‌های دیگر موجب تغییر معنا شود، معنای آن‌ها را نیز بیان می‌کند. همچنین چنان‌چه در نقل‌های دیگر عبارات مجازی وجود داشته باشد، به تبیین معنای آن‌ها نیز می‌پردازد و گاه به سند روایت نیز اشاره می‌کند، چنان‌که ذیل روایت شماره 178، ضمن اشاره به تفاوت نقل‌ها، سند روایتی را که در آن «من كنت ولیه فعلی ولیه» ذکر شده، بیان کرده است. (ر.ک: همان، ص 207) تعداد روایاتی که نقل‌های متفاوتی دارند، بیش از 40 مورد است که می‌توان آن‌ها را تحت سه موضوع کلی دسته‌بندی کرد که به بیان این دسته‌ها و نمونه‌ای از آن‌ها می‌پردازیم:

1. تفاوت نقل‌هایی که موضع مجاز در آن‌ها یکی است:

در این موارد، موضع مجاز در هر دو روایت یکی است و تفاوت نقل تغییری در

معنا به وجود نمی آورد؛ از این رو، سید رضی رحمته الله تنها به ذکر نقل متفاوت روایت می پردازد. برای نمونه در روایت شماره 47 آمده است: «المؤمن مرآة أخيه» و ذیل آن نقل دیگر ذکر شده است: «مرآة أخيه المؤمن يرى فيه حسنه و قبحه» (ر.ک: همان، ص 89)

2. تفاوت نقل هایی که موضع مجاز در آن ها متفاوت است:

در این موارد، گاه دو معنا به یکدیگر نزدیک اند و گاه تغییر موضع مجاز، به گونه ای است که معانی مجازی نسبت به یکدیگر ارجحیت دارند. سید رضی رحمته الله در صورتی که دو معنا به یکدیگر نزدیک باشند، پس از ذکر معنا، به تقارب معنایی آن ها اشاره می کند. برای نمونه در روایت شماره 272: «من سره أن يقرأ القرآن غضباً كما أنزل فليقرأه على قراءة ابن أم مكتوم»، لفظ «غضب» موضع مجاز و به معنای طراوت و تازگی و عدم فساد است. این لفظ در مورد قرائت قرآن به کار رفته و استعاره از سلامت و عدم تحریف و تبدیل قرآن است. در روایت دیگر، همین معنا با لفظ «رطب» به معنای تازگی ذکر شده است: «من سره أن يقرأ القرآن رطباً كما أنزل». سید رضی رحمته الله پس از تبیین معنا براساس روایت اول، روایت دوم را ذکر و به یکسان بودن معنای هر دو با عبارت «و المعنى فى الروایتین واحد» اشاره می کند. (ر.ک: همان، ص 321)

تفاوت نقل و اختلاف موضع مجاز، گاه سبب ترتب معانی نسبت به یکدیگر می شود. در این موارد، سید رضی رحمته الله به نقد معانی و بیان وجه برتر می پردازد. برای نمونه در روایت شماره 25 آمده است: «قد اناخت بكم الشرف الجون». موضع مجاز لفظ «الشرف» است که در لغت عرب در مورد «شتر پیر» استعمال می شود. بر این اساس معنای روایت چنین است: شترهای پیر نزد شما اقامت کردند. در این صورت، مراد از «الشرف الجون» فتنه های پیش رو است. در نقل دیگر «الشرف» به «الشرق» تغییر کرده و معنای آن امور عظیمی است که از جانب مشرق وارد می شود. سید رضی رحمته الله پس از بیان این دو معنا، معنای نخست را به سبب نزدیکی به عرف عرب، صحیح تر می داند. (ر.ک: همان، ص 58-59)

3. تفاوت نقل‌هایی که شامل عبارات مجازی بیشتر هستند:

در برخی موارد اختلاف نقل‌ها به گونه‌ای است که ضمن حفظ معنای مجازی نخست، مجاز دیگری نیز در بر دارد. در این گونه موارد، سید رضی رحمته الله علیه به تبیین مجاز جدید نیز می‌پردازد. برای نمونه در روایت شماره 335 چنین آمده است: «**لکل شیء سنم و سنم القرآن سورة البقرة...**» هر چیز کوهانی دارد و کوهان قرآن، سوره بقره است. در نقل دیگری، این روایت چنین ذکر شده است: «**البقرة سنم القرآن و ذروته و یاسین قلب القرآن**»؛ سوره بقره، کوهان قرآن و قله آن است و سوره یاسین قلب قرآن. در این دو روایت لفظ «سنم» موضع مشترک مجاز است که به معنای بخش اعلائی قرآن است و عظمت سوره بقره را بیان می‌کند. در روایت دوم، مجاز دیگری نیز مشاهده می‌شود و آن لفظ «قلب» است که برای سوره یاسین به کار رفته است. سید رضی رحمته الله علیه پس از بیان موضع مشترک مجاز، این موضع را نیز توضیح می‌دهد و مراد از آن را هسته و گزیدگی ذکر می‌کند. (ر.ک: همان، ص 371)

3-3. بررسی سندی و رجالی

سید رضی رحمته الله علیه به ندرت سند روایات را ذکر کرده است، اما در صورت لزوم به بررسی سندی و رجالی روایات نیز می‌پردازد و حمل روایت بر معنای مجازی را مشروط به صحت سند روایت می‌داند. مؤید این نکته در بیان معنای مجاز در روایت «**نهران مؤمنان...**» که به عنوان شاهد روایی برای روایت شماره دو ذکر شده، دیده می‌شود. (ر.ک: همان، ص 32-33) همچنین سید رضی رحمته الله علیه در روایت 27 که دال بر رؤیت خداوند است، پیش از ذکر متن، با عبارت «**والخبر مطعون فی سنده**» از ضعف سندی روایت خبر می‌دهد. (ر.ک: همان، ص 60) و پس از توضیح واژگان آن، به آحاد بودن و نپذیرفتنی بودن روایت اشاره می‌کند. وی در ادامه با استناد به سخن قاضی عبدالجبار، پذیرش خبر آحاد را مشروط به عدالت روای ذکر کرده است، به سبب انحراف قیس بن ابی حازم از حضرت امیر علیه السلام و خارجی بودن و نیز مشکل عقلی او، روایت را قابل قبول نمی‌داند. سید رضی رحمته الله علیه علاوه بر شروط قاضی عبدالجبار، شرط دیگری نیز برای پذیرش خبر واحد ذکر می‌کند و آن عدم انکار سلف است.

وی براساس این شرط، می‌گوید: از آنجا که بسیاری از سلف بر این خبر اشکال گرفته و رؤیت خدا را انکار کرده‌اند، نمی‌توان آن را پذیرفت. (ر.ک: همان، ص 61-63)

سید رضی رحمته الله علیه ذیل روایت شماره 97 نیز، پس از بیان معنای مجاز، به شخصیت فرد مذکور در روایت و کیفیت دلالت سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر او اشاره می‌کند. در این روایت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حسان شاعر را که با اشعار و سخنان ادیبانه خود از آن حضرت حمایت می‌کرد و موجب شادی و دلگرمی مؤمنان و ناخوشی منافقان می‌شد، به منزله حائل میان مؤمنان و منافقان بیان می‌کنند: «حسان حجاز بین المؤمنین و المنافقین، لا یجبه منافق و لا یغضه مؤمن»؛ حسان دیواری است میان مؤمنان و منافقان، هیچ منافقی او را دوست نمی‌دارد و هیچ مؤمنی او را دشمن نمی‌شمارد. (ر.ک: همان، ص 133)

سید رضی رحمته الله علیه پس از تبیین معنای مجازی «حجاز» می‌گوید: این سخن در مورد حسان، مربوط به زمانی خاص و دوران حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، اما پس از ایشان به دلیل دشمنی با امیرالمؤمنین علیه السلام و آزار وی در اشعار خود، به وادی گمراهی و شقاوت درافتاده و دیگر نمی‌تواند حائل میان ایمان و نفاق باشد. (ر.ک: همان، ص 133-134)⁹

3-4. بیان معنای واژگان غریب

هرگاه متن روایت مشتمل بر الفاظ غریب و نامأنوس باشد، سید رضی رحمته الله علیه اغلب پیش از تبیین معنای مجازات روایی و گاه در ضمن آن، به ذکر معنای لغوی واژگان پرداخته است. برای نمونه در روایت شماره یک: «هذه مكة قدرتمكم بأفلاذ كبدها»¹⁰ که درباره خروج سران قریش به سمت چاه‌های بدر، پس از ذکر معنای مجازی نخست، به بیان معنای لغوی واژه «الأفلاذ» می‌پردازد: «الأفلاذ: القطع المتفرقة عن الشيء؛ افلاذ، پاره‌های از هم جدای یک شیء هستند که بیشتر درباره کبد به کار می‌رود.» (همان، ص 31)

نمونه دیگر، روایت شماره 12 است که آرزوی عدم ورود بیماری طاعون به شهر

مدینه را با عبارت «فإني أرجو الا يطلع إلينا نقابها»¹¹ بیان می‌کند. سید رضی رحمته الله پیش از بیان معنای مجازی «طلع نقاب»، راجع به معنای لغوی «نقاب» چنین می‌گوید: «النقاب»: جمع نقب، و هو طریق فی الجبل. (ر.ک: همان، ص 45) نمونه دیگر، توضیح درباره واژه «الصُّعَدَات» در روایت «لا تقعدوا علی الصعدات الا من اعطاها حقها»¹² به معنای «راه‌ها» است که در روایت 299 به کار رفته و پس از ذکر آن، استعاره روایت تبیین شده است. (ر.ک: همان، ص 345)

3-5. تبیین معنای مجاز در روایت

سید رضی رحمته الله پس از اشاره به وجود مجاز و استعاره، و در صورت لزوم، بررسی سندی و متنی روایت، به تبیین وجوه معنایی روایات می‌پردازد که برای نمونه به دو مورد اشاره می‌کنیم:

نمونه اول

روایت شماره 300: «المجالس ثلاثة: سالم و غانم و شاجب» (همان، ص 354)؛ مجالس سه گونه‌اند: سالم، بهره‌مند و هلاک‌شده.

در این روایت، مجاز مرسل به کار رفته و محل بر حال اطلاق شده است. سید رضی رحمته الله مورد اطلاق این سه صفت را اهل این مجالس و نه خود مجالس بیان می‌کند که حضرت صلی الله علیه و آله آن‌ها را به سبب اشتغال مجالس بر اهل خود، به مجالس نسبت داده است. وی «الشاجب» را به معنای «الهالك» ذکر و سپس معنای روایت را چنین بیان می‌کند: اهل مجلسی که در آن نه سخن زیبا و نه سخن زشت، نه گفتار منکر و نه گفتار معروف ذکر شود، سالم هستند. مجلسی که در آن سخنان نیکو ذکر شود و اهل آن به کردارهای نیکو دعوت کنند، افرادی بهره‌مند و سودیافته هستند، اما اهل مجلسی که جز سخنان ناپسند در آن شنیده نشود و جز کردارهای ممنوع صورت نگیرد، هلاک‌شدگان هستند. (ر.ک: همان، ص 354-346)

نمونه دوم

روایت شماره 230: «تؤخرون الصلاة شرق الموتى» (همان، ص 278)؛ نماز را به حد خفگی مرگ به تأخیر می‌اندازید!

سید رضی رحمته الله در بیان معنای این روایت به اختلاف اقوال علما در این زمینه اشاره می‌کند و همه آن‌ها را به جز یک مورد، بعید می‌داند. وی سپس آن قول را به عنوان قول برگزیده در تبیین معنای روایت ذکر می‌کند و می‌گوید: مقصود این است که آنان نماز را به قدری به تأخیر می‌اندازند که از روز تنها به قدر آخرین نفس میت که گلوگیر شده و به سختی دمیده می‌شود، باقی می‌ماند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این زمان اندک را به باقی‌مانده جان که هر لحظه به اتمام می‌رسد، تشبیه کرده‌اند. (ر.ک: همان)

سید رضی رحمته الله از طریق متعدد به تبیین معنای روایات پرداخته است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: معناشناسی واژگان براساس عرف زبان عربی، استشهاد به مؤیدهای قرآنی، استشهاد به مؤیدهای روایی، استناد به مبانی کلامی، توجه به کل روایت، شناخت اسباب صدور، استشهاد به تاریخ، برداشت‌های ذوقی.

سید رضی رحمته الله در تبیین معنای روایات، هرگاه برای روایت بیش از یک معنا متصور باشد، به ذکر وجوه معانی محتمل که خود یا دیگران قائل به آن هستند، می‌پردازد. در چنین مواردی، معانی مذکور گاه بدون ترجیح و گاه با نقد و بررسی و ترجیح یک معنا بر سایر معانی بیان شده است. برای نمونه، در روایت شماره 152 که ویژگی‌های پیش از قیامت بیان شده است، سید رضی رحمته الله دو معنا برای موضع مجاز ذکر می‌کند. متن روایت چنین است: «إِنْ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ سِوَى الْجَوَازِ وَ قَطِيعَةِ الْأَرْحَامِ وَ أَنْ يَعْطَلَ السِّيفُ مِنَ الْجِهَادِ وَ أَنْ تَخْتَلِ الدُّنْيَا بِالْدِينِ»؛ از ویژگی‌های قیامت، همسایه بد، قطع پیوند خویشاوندی، تعطیل جهاد و فریفتن دنیا به وسیله دین است. در این روایت عبارت «و أَنْ تَخْتَلِ الدُّنْيَا بِالْدِينِ» موضع مجاز است که مراد از آن، نهی از دنیاطلبی با تظاهر به پارسایی و پرهیزگاری است؛ گویا انسان به وسیله دین، دنیا را می‌فریبد تا آن را شکار کند، همانند شکارچی که با انواع نیرنگ‌ها به فریفتن حیوان می‌پردازد تا آن را شکار کند. این معنا در کلام کمیت بن زید آمده است:

وإنسی علی حبههم و تطلعی إلى نصرهم امشی الضراً وأختل¹³

(ر.ک: همان، ص 187)

سید رضی رحمته الله معنای دیگری را نیز برای این روایت روا می‌داند؛ وی می‌گوید: ممکن است مراد این باشد که اهل دنیا به وسیله دین فریب می‌خورند که در این

حالت، مضاف حذف شده و مضاف‌الیه در جایگاه آن قرار گرفته است، همانند آیه «و اسئل القرية» (یوسف: 82)، که نمونه‌های آن در قرآن فراوان است. (ر.ک: همان) در این موارد و موارد مشابه، سید رضی رحمته الله علیه پس از بیان وجوه معنایی از قول خود یا دیگران، به سبب هم‌رتبه بودن وجوه در دلالت بر معنا، به نقد و بررسی و بیان وجه برتر نمی‌پردازد.¹⁴

در مقابل این شیوه، هر گاه موضع مجاز، معانی متفاوتی را برتابد که یکی نسبت به دیگری در ارائه مقصود ارجحیت دارد، سید رضی رحمته الله علیه به وجه مورد نظر اشاره و با تکیه بر دانش خود یا شواهد لغوی و آیات و روایات، علت برتری آن وجه را نیز بیان می‌کند؛ برای نمونه، دو وجه معنایی برای واژه‌های «العرة» و «الغرة» در روایت شماره 140 ذکر شده است. متن روایت چنین است: «یاکم و المشارّة؛ فإنها تحیی العرة و تمیت الغرة»؛ از دشمنی و جدال بپرهیزید، زیرا زشتی را زنده می‌کند و نیکی را می‌میراند. سید رضی رحمته الله علیه ابتدا دیدگاه خود درباره معنای مجازی این دو واژه را بیان می‌کند. وی استعاره این روایت را در شمار استعاره‌های عجیب ذکر می‌کند که مراد از آن این است که جدال و مخاصمه با مردم، موجب آشکارشدن معایب و کاستی‌ها و پنهان شدن خوبی‌ها و نیکی‌هاست، زیرا فرد شرور از یک سو در پی زشتی‌های دشمن خود است و از سوی دیگر نیکی‌ها و زیبایی‌های او را می‌پوشاند، گویا او محاسن دشمن خود را کشته و بدی‌های او را زنده کرده است.

در این روایت، «الغرة»¹⁵ به سبب زیبا جلوه دادن انسان، در جایگاه منقبت و نیکی قرار گرفته و «العرة» که آشکارشدن آن موجب ملامت و تقبیح انسان است، در معنای عیب و زشتی به کار رفته است. (ر.ک: همان، ص 172-173) سید رضی رحمته الله علیه پس از بیان این وجه معنایی، به قول ابو عبید قاسم بن سلام در غریب الحدیث اشاره می‌کند که مراد از «الغرة» را مال و دارایی ارزشمند و مراد از «العرة» را که در لغت به معنای جراحات شتر است، بلا و هلاک دانسته است. بر این اساس، معنای روایت این است که ترک مخاصمه با مردم موجب افزایش دارایی و دوری از بلا و هلاک می‌شود. (ر.ک: همان، ص 173) سید رضی رحمته الله علیه پس از بیان این قول، وجه نخست را به سبب تناسب با ظاهر کلام و روانی و عدم تکلف، قول ارجح می‌داند و در تأیید آن به

شاهدی روایی استناد می کند که در آن امام صادق علیه السلام فرموده اند: «یا کم و تعداد العرة، فإنها تكشف العورة و تورث المعرة».¹⁶ سید رضی رحمته الله علیه عبارت «فإنها تكشف العورة و تورث المعرة» را در این روایت، مبین اجمال روایت پیشین می داند که دلیلی بر ردّ وجه معنایی ابو عبید است. (ر.ک: همان)¹⁷

3-6. تبیین معنای مجاز در آیات و روایات دیگر

سید رضی رحمته الله علیه در مواردی نادر که لفظ یا موضع مجاز در آیات و روایات دیگر نیز به کار رفته، اما معنای متفاوتی دارد، به تبیین معنای آیات و روایات مذکور می پردازد. برای نمونه، ذیل روایت شماره 11 که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به شتربان زنان فرمودند: «یا أنجشة رفقاً بالقوارير»¹⁸، به معنای «قواریر» در آیه 16 سوره انسان¹⁹ نیز اشاره می کند. این در حالی است که واژه «قواریر»، که به معنای ظرف شراب و مایعات است، در روایت مورد بحث استعاره از زنان قرار گرفته، اما در آیه مذکور در معنای لغوی استعمال شده است. (ر.ک: همان، ص 44-45)

نمونه روایی دیگر از این دست، ذیل روایت شماره سه به چشم می خورد که اتحاد و قدرت مسلمانان با عبارت «و هم ید علی من سواهم» یاد شده است. سید رضی رحمته الله علیه پس از دو وجه معنایی برای این عبارت، به روایت دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره می کند که فرمودند: «علیکم بالجماعة فإن ید الله علی الفسطاط».²⁰ وی می گوید معنای «ید» در این روایت با روایت پیشین متفاوت است، زیرا در روایت قبل، «ید» استعاره از اتحاد و قدرت بود، ولی در این روایت، به معنای «حفظ و مراقبت» است. (ر.ک: همان، ص 33-35)

نمونه ای دیگر، روایت شماره 191 است: «ما أذن الله لشیء کاذنه لنبی یتغنی بالقرآن».²¹ سید رضی رحمته الله علیه «یتغنی بالقرآن» را برگرفته از «الغناء» و معنای مجازی آن را قرائت دائم و اثرگذار ذکر می کند. وی پس از تبیین معنای مجازی روایت، به روایت دیگری اشاره می کند که همین فعل در آن به کار رفته است اما معنای متفاوتی دارد. روایت چنین است: «لیس منا من لم یتغن بالقرآن».²² سید رضی رحمته الله علیه مراد از «تغنی» در این روایت را متفاوت از روایت پیشین و به معنای استغنا و توانگری به وسیله قرآن

ذکر می‌کند. (ر.ک: همان، ص 220-221)

7-3. بیان مباحث غیر مرتبط با تبیین مجاز

سید رضی رحمته الله علیه در مواردی که ضرورت ایجاب کرده است، به توضیحات بیشتر و ذکر مباحث غیر مرتبط با تبیین معنای مجازی روایات اقدام می‌کند. برای نمونه ذیل روایت شماره 44 از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمودند: «الصدقة عن ظهر غنی»²³، برای تبیین معنای «ظهر» به شاهی ادبی اشاره می‌کند:

سَمَاءُ مِنْ بَعْدِ جُعَيْلٍ عَمْرًا وَ كَانِ لِلْبَائِسِ يَوْمًا ظَهْرًا²⁴

سید رضی رحمته الله علیه پس از بیان این شاهد ادبی، به بیان شخصیت «جعیل بن سراقه» و ماجرای تغییر نام او توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند که ارتباطی با معنای «ظهر» و تبیین مقصود روایت ندارد. (ر.ک: همان، ص 87-88) نمونه دیگر ذیل روایت شماره 67 در مورد عظیم بودن گناه قتل نفس است که پس از بیان معنای مجازی روایت، به اختلاف فتاوی‌ای ابن عباس در مورد پذیرش یا عدم پذیرش توبه قاتل، اشاره و وجه جمع آن‌ها را بیان می‌کند. (ر.ک: همان، ص 107)

8-3. بیان شبهات کلامی و پاسخ به آن‌ها

سید رضی رحمته الله علیه ضمن تبیین معنای روایات، به تناسب، شبهات کلامی و عقلی را نیز مطرح می‌کند و به آن‌ها پاسخ می‌گوید؛ برای نمونه، ذیل روایت شماره 27 در مورد رؤیت خداوند در قیامت،²⁵ پس از نقد سندی و متنی روایت، معنای مجازی «رؤیت» را براساس استعمالات کلام عرب، «علم» ذکر می‌کند. (ر.ک: همان، ص 60-63) وی سپس اعتراض مخالفان این معنا را مطرح می‌کند که گفته‌اند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این سخن را برای بشارت به اصحاب بیان کرده‌اند، در حالی این معنا [حمل رؤیت بر علم] در همین دنیا برای آنان وجود دارد، از این رو جایز نیست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایشان را به چیزی بشارت دهد که در این دنیا برای آنان حاصل شده است. سید رضی رحمته الله علیه در پاسخ به این اشکال و در مقام دفاع از معنای مجازی «علم» به شواهد لغوی استدلال می‌کند و می‌گوید: این معنا همانند سخن کسی است که وقتی می‌خواهد شدت تحقق امری را بیان کند، می‌گوید: «أنا أعلم هذا الأمر كما أرى هذه

الشمس»؛ من همان طور که خورشید را می بینم، به این امر آگاهی دارم. (ر.ک: همان، ص 64)

پاسخ به شبهاتی دربارهٔ وجوب و عدم وجوب نکاح (ر.ک: همان، ص 94-95، ذیل روایت 53)، پذیرفتن و نپذیرفتن توبهٔ قاتل (ر.ک: همان، ص 107، ذیل روایت 67) و جواز و عدم جواز تشبیه و تجسیم (ر.ک: همان، ص 318-320، ذیل روایت 207) نمونه‌های دیگری از این قبیل به شمار می‌روند که با مراجعه به *المجازات النبویه* می‌توان به آن‌ها دست یافت.

نتیجه‌گیری

سید رضی رحمته الله علیه در ذکر روایات، با تقطیع روایات طولانی، به نقل موضع مجاز اکتفا کرده و در صورت وجود نقل‌های متفاوت از روایت، به آن‌ها اشاره و به ندرت، سند روایات را ذکر می‌نماید. وی با فرض صحت روایت و در صورت لزوم، پس از بررسی سندی و متنی، ابتدا به معناشناسی واژگان پرداخته، سپس با اشاره به موضع مجاز، زمینه‌های لازم برای شرح معنا را فراهم می‌آورد و سپس معنای مجازی را براساس شواهد و مؤیدات گوناگون تبیین می‌کند. وی، گاه آیات و وریات غیر مرتبط با بحث را که موضع مجاز در آن‌ها نیز به کاررفته، ذکر و معنای آن‌ها را بیان کرده است. در مواردی، مباحث غیرمرتبط با معنای مجازی را نیز مطرح و به تناسب بحث، شبهات کلامی و پاسخ آن‌ها را متناسب با آرای کلامی شیعه تبیین نموده است. وی در موضعی از شرح روایات، به کتب مورد استفاده و اقوال استادان خود نیز اشاراتی دارد که می‌تواند در شناخت دقیق‌تر منابع کتبی و شفاهی این اثر، مؤثر واقع گردد.

پی‌نوشت‌ها:

1. منصب «نقابت» توانست علویان را که از زمان بنی‌امیه تا معتضد عباسی پیوسته مورد تعقیب قرار داشتند، از پراکندگی نجات دهد و پس از سه قرن، بسامان گرداند که سید رضی رحمته الله علیه به بهترین وجه از عهدهٔ آن برآمد. (ر.ک: دوانی، 1364ش، ص 118-119)
2. قرینه دو گونه است: «مانعه (صارفه)» و «معینه». از آنجا که حمل لفظ بر غیر معنای موضوع‌له در

مجاز، خلاف اصل محسوب می‌شود، به قرینه‌ای نیاز است که خلاف اصل را تجویز کند. منظور از قرینه در مجاز، به کار بردن علامت و نشانه‌ای است که نشان دهد معنای حقیقی منظور نیست و ذهن شنونده را از آن منصرف کند. این قرینه را اصطلاحاً «قرینه مانعه یا صارفه» گویند؛ یعنی قرینه‌ای که از حمل لفظ بر معنای موضوع له آن بازمی‌دارد. «قرینه معینه» نیز آن است که برای تعیین معنای حقیقی لفظ مشترک به کار می‌رود. (ر.ک: صدر، 1410ق، ص 403)

3. دلیل شرعی در مقابل دلیل عقلی، یکی از ادله استنباط حکم شرعی است که از شارع (کتاب و سنت) صادر شده و در آن، دلالتی بر حکم شرعی وجود دارد. دلیل شرعی لفظی، همان کلام شارع است و از «مجاز» ذیل دلیل شرعی لفظی سخن گفته می‌شود. (ر.ک: همان، 1410ق، ص 269-270 و 403-406)

4. «ویل لأفماع القول، ویل للمصرین»؛ وای بر قیف‌های سخن، وای بر بسیار شنوندگان. (سید رضی، 1422ق، ص 38)

5. برای سایر موارد ر.ک: همان، روایات شماره 29، 162، 242، 303، 322 و 356.

6. برای سایر نمونه‌ها ر.ک: همان، ص 79، 102، 211، 310، 372 و 390.

7. برای برخی دیگر از نمونه‌ها ر.ک: همان، ص 32، 79، 216، 254، 352 و 381.

8. برای دیگر نمونه‌ها ر.ک: همان، ص 6، 132، 161، 210 و 363.

9. برای دیگر نمونه‌ها ر.ک: سید رضی رحمته الله علیه، 1380، ص 175، 231، 319 و 376.

10. شهر مکه پاره‌های جگرش را به سوی شما پرتاب کرده است.

11. من امیدوارم که از راه‌های مدینه به سوی ما حمله نکند.

12. بر راه‌ها نشینید مگر آنکه حق آن‌ها را ادا کند.

13. من به سبب محبت و اشتیاق دست‌یافتن به آن‌ها، همانند سگ شکاری راه می‌روم و نیرنگ می‌زنم.

14. برای سایر نمونه‌ها ر.ک: روایات شماره 26، 72، 152، 178 و 202.

15. این واژه در لغت به معنای سفیدی پیشانی اسب یا هر شیء نفیس و باارزش است. (ر.ک: ابن منظور، 1412ق، ج 10، ص 46)

16. از شمارش زشتی‌ها بپرهیزید، زیرا موجب آشکار شدن عیوب می‌شود و بدنامی به بار می‌آورد.

17. برای سایر نمونه‌ها ر.ک: روایات شماره 23، 54، 104، 200 و 287.

18. ای آنجشه، با زنان به ادب و ملاحظت رفتار کن.

19. «فَوَارِيراً مِنْ فِضَّةٍ قَدَرُوهَا تَقْدِيراً»

20. بر شما باد اجتماع و پیوند، زیرا دست خداوند بر شهره است.

21. خداوند به چیزی همانند قرائت دائم قرآن برای پیامبر گوش نداده است.

22. از ما نیست کسی که به وسیله قرآن توانگر نگردد.

23. صدقه بر کسی واجب است که توان مالی دارد.
24. او را پس از «جعل»، «عمرو» نام نهاد و او پشتیبان درماندگان است.
25. «تروان ربکم یوم القیامة کما ترون القمر لیلۃ البدر لا تضامون فی رؤیتہ»؛ در قیامت پروردگارتان را همچون رؤیت ماه شب چهارده می بینید، درحالی که در رؤیت او شک ندارید.

منابع

1. قرآن کریم.
2. ابن قتیبه، ابو محمد عبدالله بن مسلم، *تأویل مختلف الحدیث*، بیروت: دار الکتب العلمیة، بی تا.
3. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ج 3، بیروت: دارصادر، 1412ق.
4. امینی، عبدالحسین احمد، *الغدير فی الكتاب و السنة و الأدب*، ج 4، بیروت: دارالکتب العربی، 1397ق / 1977م.
5. بخاری، محمد بن اسماعیل، *الجامع الصحیح*، بیروت: دارالفکر، 1401ق.
6. بروجردی، سید علی اصغر، *طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال*، تحقیق سید مهدی رجایی، ج 1، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1410ق.
7. تفتازانی، سعدالدین، *مختصر المعانی*، ج 1، قم: دارالفکر، 1411ق.
8. تفرشی، مصطفی بن حسین، *نقد الرجال*، تحقیق مؤسسه آل البيت الاحیاء التراث، ج 1، قم: آل البيت علیهم السلام، 1418ق.
9. جرجانی، ابوبکر عبدالقاهر بن عبدالرحمن بن محمد، *کتاب اسرار البلاغة*، تعلیق ابوفهر محمود محمد شاکر، ج 1، مصر، قاهره: المطبعة المدني، 1412ق.
10. جعفری، محمدمهدی، سید رضی رحمته اللہ، ج 2، تهران: طرح نو، 1378ش.
11. حلّی، ابو منصور حسن بن یوسف، *رجال العلامة الحلّی*، قم: دار الذخائر، 1411ق.
12. حلّی، تقی الدین حسن بن علی ابن داود، *رجال ابن داود*، انتشارات دانشگاه تهران، 1383ق.
13. خطیب قزوینی، جلال الدین محمد بن عبدالرحمن، *الایضاح فی علوم البلاغة، المعانی و البیان و البدیع*، تحقیق عمار بسیونی زغلول، بیروت: شركة دارالأرقم بن ابی الأرقم، 1426ق.
14. خویی، ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، ج 5، بی جا: بی نا، 1413ق / 1992ش.
15. دوانی، علی، سید رضی مؤلف *نهج البلاغه*، ج 3، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1364ش.
16. ربانی، محمدحسن، *دانش درایة الحدیث*، ج 1، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، 1380ش.
17. سکاکی، یوسف بن ابی بکر، *مفتاح العلوم*، تصحیح نعیم زرزور، بی جا: دارالکتب العلمیة، 1303ق.
18. سید رضی، محمد بن حسین، *المجازات النبویة*، تصحیح مهدی هوشمند، قم: دارالحدیث، 1422ق / 1380ش.

19. سید مرتضی، علی بن حسین، *الأمالی*، تصحیح و تعلیق سید محمد بدرالدین نعسانی حلبی، ج 1، قم: منشورات مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، 1325ق.
20. شهید ثانی، زین الدین علی بن أحمد جبعی عاملی، *الرعاية فی علم الدراية*، تحقیق عبدالحسین محمد علی البقال، ج 2، قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، 1413ق.
21. صدر، محمدباقر، *دروس فی علم الأصول*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، 1410ق.
22. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین، *معانی الأخبار*، قم: انتشارات جامعه مدرسین، 1361ش.
23. طحان، محمود، *تیسیر مصطلح الحدیث*، ج 6، کویت: مکتبه دار التراث، 1404ق.
24. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *الفهرست*، نجف اشرف: مکتبه المرتضویه، بی تا.
25. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، ج 2، قم: هجرت، 1410ق.
26. فیض کاشانی، مولی محمد محسن، *کتاب الوافی*، تحقیق، تصحیح، تعلیق و مقابله با اصل: ضیاءالدین حسینی اصفهانی، ج 1، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، 1406ق/ 1365ش.
27. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار أئمة الأطهار*، بیروت: مؤسسة الوفاء، 1404ق.
28. محمدی، ابوالحسن، *مبانی استنباط حقوق اسلامی یا اصول فقه*، تهران: دانشگاه تهران، 1386ش.
29. مدنی شیرازی، صدرالدین سید علی خان، *الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعة*، ج 2، قم: بصیرتی، 1397ق.
30. مراغی، أحمد مصطفی، *علوم البلاغة؛ البیان و المعانی و البدیع*، بیروت: دارالقلم، بی تا.
31. مظفر، محمدرضا، *اصول الفقه فی مباحث الألفاظ و الملازمات العقلية و مباحث الحججة و الأصول العملية*، تحقیق عباس علی زارعی سبزواری، ج 2، قم: بوستان کتاب، 1424ق.
32. مسعودی، عبدالهادی، *روش فهم حدیث*، ج 2، تهران: سمت و دانشکده علوم حدیث، 1385ش.
33. مسلم نیشابوری، الجامع، بیروت: دار الفکر، بی تا.
34. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *تصحیح الاعتقادات الامامية*، تحقیق حسین درگاهی، ج 2، بیروت: دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع، 1414ق.
35. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، *الرجال*، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، 1407ق.
36. نفیسی، شادی، *درایة الحدیث*، ج 1، تهران: سمت و دانشکده علوم حدیث، 1386ش.
37. هاشمی، احمد، *جواهر البلاغة فی المعانی و البیان و البدیع*، ج 2، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.